

## علل شکل‌گیری و ماهیت جنبش‌های سیاسی در خاورمیانه: بررسی موردی جنبش سیاسی در یمن\*

دکتر یحیی فوزی  
دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

چکیده:

جریان‌ات اسلامگرا در یمن شامل شیعیان زیدی و بخش مهمی از اهل سنت بوده که اخوان یمن در بین اهل سنت و الحوثی‌ها در بین شیعیان از اهمیت خاصی برخوردارند. این نیروها بدنبال قیام‌های مردمی اخیر در تونس و مصر و برخی کشورهای دیگر در خاورمیانه مبارزات خود را در قالب راهپیمائی‌های گسترده اما آرام ادامه دادند و خواستار اصلاحات سیاسی و اجتماعی در کشور می‌باشد که در این مقاله تلاش می‌کنیم به بررسی ابعاد مختلف این جنبش سیاسی و روند تحولات و علل شکل‌گیری و ماهیت آن بپردازد و بر اساس گونه‌شناسی فکری این نیروها و مبانی فکری و اهداف هر یک از آنها چشم‌انداز آینده این جنبش را تبیین کند.

واژگان کلیدی:

جنبش اسلامی، یمن، اخوان المسلمین یمن، شیعیان زیدی، الحوثی

---

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۰۵/۲۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۱۲/۲۵

### الف- بحث مفهومی

جنبش‌های اجتماعی یکی از مهم‌ترین کنش‌های جمعی سازمان یافته برآمده از متن جامعه است که با طرفداری یا طرح‌گفتمانی خاص، بخشی یا تمام افراد یک جامعه را برای تغییر و یا اصلاح جنبه‌هایی از زندگی اجتماعی (اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی و...) تهییج و بسیج می‌نمایند در جوامع جدید، جنبش‌های اجتماعی به صورت یکی از گروه‌های واسط و میانجی هستند که موجب نوعی شعور و آگاهی جمعی در یک جامعه یا بخشی از افراد آن می‌شود. افراد جامعه از طریق همین جنبش‌هاست که می‌توانند منافع و حقوق فردی و اجتماعی خود را حفظ کرده یا به دست آورند و با فشاری که از طریق جنبش‌ها بر قدرت و نخبگان سیاسی جامعه خود وارد می‌آورند، ارزش‌ها و آرمان‌های اجتماعی، سیاسی خود را محقق نموده و بدین طریق در کنش تاریخی جامعه خود مشارکت می‌جویند. همچنین این جنبش‌ها موجب تحول ذهنی و شکل‌گیری یک ایدئولوژی و یا تربیت نخبگان جدیدی برای جامعه می‌گردد که این افراد در آینده ممکن است جزو رهبران تأثیرگذار جامعه خود گردند.

رهیافت‌های مختلفی برای تحلیل علل پیدایش جنبش‌های اجتماعی مطرح است برخی از این رویافتها در تحلیل علت شکل‌گیری این جنبش‌ها بر شرایط داخلی همچون شرایط سیاسی اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی جوامع تأکید دارند و برخی دیگر بر تحول ذهنی و شکل‌گیری یک ایدئولوژی و یا ظهور رهبران سیاسی تأکید می‌کنند. و گروهی دیگر از محققان عوامل خارجی و نظام بین‌المللی و جهانی سازی را مؤثر در شکل‌گیری این تحولات می‌دانند. اما بنظر می‌رسد رویافت‌های تلفیقی به شکل مناسب‌تری می‌توانند علل این شکل‌گیری این جنبش‌ها را توضیح دهند به این معنا که اگر معتقد به نوعی تعامل بین ذهن و عین و بین اندیشه و عمل اجتماعی باشیم باید گفت که کنش اجتماعی نتیجه تحول در ذهن کنشگران است و در واقع هر کنش اجتماعی بعنوان محصول جنبش‌های اجتماعی نتیجه رشد اندیشه جدید این کنشگران می‌باشد اما اندیشه نیز در حلاله وجود نمی‌آید بلکه در واقع نوعی تعامل بین اندیشه کنشگران و شرایط داخلی جوامع وجود دارد که محصول آن یک اقدام اجتماعی است. اما همه این اقدامات نیز در یک بستر جهانی شکل می‌گیرد زیرا در جهان امروز با گسترش تکنولوژی‌های ارتباطی و نزدیکی جوامع به یکدیگر که نتیجه روند جهانی شدن می‌باشد هر گونه کنش اجتماعی در جوامع بشدت

از این فضای جهانی تأثیر پذیر خواهد بود و بنابراین برای تحلیل جنبشهای اجتماعی نیازمند توجه به سه عامل مهم یعنی شرائط داخلی جوامع، ایدئولوژی و اندیشه ها و در نهایت شرائط جهانی و منطقه ای می باشیم که بر این اساس تلاش می کنیم به تحلیل این جنبشها پردازیم و در خصوص تحلیل تحولات منطقه خاورمیانه و بصورت خاص کشور بحرین نیز باید به این فاکتورها توجه کرد.

#### الف) - وضعیت سیاسی - اجتماعی یمن

- کشور یمن در منطقه ای که از نظر استراتژیک بسیار مهم بوده و در تقاطع شاخ آفریقا و شبه جزیره عربستان سعودی و بر سر راه سوئز قرار دارد واقع است و دارای ۲۲ میلیون جمعیت می باشد و به دو بخش یمن سفلی و یمن علیا تقسیم می شود از نظر جغرافیا دشت نسبتاً غنی در مناطق جنوبی و غربی یمن است که اهالی آن عمدتاً سنی مذهب و اکثراً شافعی هستند اما یمن علیا مناطق کوهستانی شمال و شمال شرقی یمن را دربر می گیرد و سکنان آن عمدتاً شیعه مذهب و اکثراً زیدیه می باشند و از ساختار قبیله ای برخوردار است .

مسلمان این کشور به طور عمده به شافعیان، زیدیان، اسماعیلیان و امامیان تقسیم می شوند. جمعیت زیدیه ۳۵ درصد، اسماعیلیه ۵ درصد، امامیه از ۲ تا ۸ درصد و باقی مانده شافعی مذهب (۵۶ درصد) هستند. یک اقلیت کوچک یهودی نیز در یمن زندگی می کنند.

سرزمین یمن از قرن دوم تا قرن چهاردهم شاهد تلاش زیدیان برای بسط و تداوم حکومت شیعی بود. اصولاً پس از کشته شدن زید بن علی، بسیاری از پیروان وی در سراسر سرزمین های اسلامی قیام کردند که بیشتر این قیامها سرکوب شدند، البته برخی هم توانستند حکومت های قدرتمندی را تشکیل دهند عامل مهم در تاسیس حکومت زیدیه در یمن به زمان خلافت مأمون خلیفه عباسی بر می گردد در زمان ایشان در یمن شورشی رخ داد و وی یکی از سرداران خود به نام محمد بن عبدالله بن زید را برای سرکوبی این شورش به یمن اعزام کرد و این شخص سلسله زیدیه را در یمن تاسیس نمود. در واقع، اولین امام زیدی های یمن که پایه گذار حکومت شیعه (۲۸۴ هـ ق) بود، امام الهادی یحیی بن حسین (۹۱۰ - ۸۵۹ م) بود. این فرقه ساختار دولت یمن (در مناطق شمالی) را تا سال ۱۹۶۲ تشکیل می داد. بعد از او ۶۶ امام به حکومت رسیدند که آخرین آنها، البدر بود و بعد از آن حکومت امام بدر الدین با کودتای جمهوریخواهان از بین رفت. (توال، ۱۳۸۲: ۱۳۳) و حکومت هزار ساله امامان شیعه زیدی را سرنگون ساخت. این تحول سیاسی که تحت

تأثیر موج ناسیونالیستی جهان عرب اتفاق افتاد، باعث رویارویی دو جریان بزرگ سیاسی پیشرو و محافظه‌کار دنیای عرب گردید. در حقیقت جمهوری خواهان از حمایت سیاسی و نظامی ناصر در مصر برخوردار شدند، در حالی که سلطنت‌طلبان مورد پشتیبانی پادشاه عربستان قرار گرفتند این درگیری پنج سال به طول انجامید و بالاخره در سال ۱۹۶۷ و در پی جنگ شش روزه، نیروهای ناصر و سعودی، خاک این کشور را تخلیه کردند. مقارن همین ایام منطقه جنوبی یمن که عمدتاً سنی مذهب بود، با نام یمن جنوبی (جمهوری دموکراتیک خلق یمن) به استقلال دست یافت و در آن حکومتی مارکسیستی و مورد حمایت اتحاد شوروی رهبری را به دست گرفت. بدنبال این اقدام، اختلافات دو یمن از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۲ به درگیری‌هایی منجر شد. با گذشت زمان و تحولات سریع سیاسی در هر دو یمن (شمالی و جنوبی)، اولین اجلاس برای اتحاد دو کشور در اوت ۱۹۸۳ تشکیل شد. در نوامبر ۱۹۸۸ دو کشور موافقت نامه‌ای برای اتحاد دو کشور امضا کردند. سرانجام با تصویب نمایندگان مجلس در ۲۲ مه ۱۹۹۰، دو کشور با یکدیگر متحد شده و جمهوری یمن را به وجود آوردند (عماد، ۱۳۸۷ و توال، ۱۳۸۲: ۱۳۶ - ۱۳۵) و علی عبدالله صالح که دوازده سال رئیس جمهور یمن شمالی بود و از سال ۱۹۹۰ میلادی که اتحاد دو بخش شمالی و جنوبی یمن شکل گرفت، رئیس جمهور یمن متحد شد<sup>۱</sup> صالح در طول این سالیان با تکیه بر ارتش، حزب دولتی و کنگره عمومی خلق (مجمعی از کارمندان، نمایندگان طبقات شهری و روستایی) و همچنین با کسب حمایت عشایر این کشور توانسته بود زمام امور کشورش را در دست گیرد. در دهه‌های اخیر طیف سیاسی یمن به سه قسمت تقسیم شد: کنگره ملی خلق (حزب حاکم)؛ حزب اصلاحات یمن (اخوان اسلامگرا)، و احزاب سکولار چپ که با جدا شدن دو جریان سوسیالیستها و اسلامگراها از حکومت، یمن تدریجاً به کشوری با یک نظام شبه اقتدارگرا به رهبری عبدالله صالح تبدیل گردید.

-نیروهای موثر در جنبش سیاسی یمن و ایدئولوژی جنبش اجتماعی در یمن

#### الف- جنبش شیعیان در یمن

شیعیان یمن اکثراً زیدیه می باشند و در میان استان‌هایی که زیدیه در آن حضور دارند، استان الصعده در رتبه اول قرار دارد، به طوری که اساساً غیرزیدی در آن به صورت غریبه وجود ندارد. الجوف در رتبه دوم و صنعا در مرتبه سوم و سپس استان‌های اب - ذمار - عمران - مارب - حجه - محویت - و حدیده در رتبه بعدی قرار دارند.

شیعیان اسماعیلیه که حدود ۵٪ جمعیت شیعیان را تشکیل می دهند عمدتاً در حوالی مرز یمن - عربستان و نیز صنعا زندگی می کنند. و شیعیان امامیه در منطقه مارب مرکزی فعال هستند این گروه که حدوداً ۸ درصد جمعیت شیعیان را تشکیل می دهند. اکنون فعالانه به کارهای فرهنگی مشغولند که زیر نظر سازمان «رابطه الشیعه الجعفریه فی الیمن» قرار دارد. بیشتر شیعیان دوازده امامی یمن را نخبگان، استادان دانشگاه، روحانیون و پزشکان تشکیل می دهند. (جعفریان، ۱۳۸۹: ۴۶۲ و ۴۶۵ و نشریه سیاست روز، اسفند ۱۳۸۵).

زیدیه به تفکری گفته می شود که پیروان آن پس از شهادت امام حسین (ع)، به امامت زید فرزند امام علی گرایش پیدا کردند. زیدیه به امامت علی، حسن، حسین و زید بن علی قایل هستند و نیز امامت هر فاطمی را که عادل و اهل علم و شجاع باشد، می پذیرند. زید در سال ۱۲۲ هجری قمری به خون خواهی شهدای کربلا، علیه حکومت وقت یعنی هشام بن عبدالملک اموی قیام کرد و سرانجام کشته شد. (امیری، ۱۳۸۸: ۳۳).

زید شرط امامت را قیام می دانست و درباره شروط امام می گوید: «امام فردی از اهل بیت است که قیام به شمشیر می کند و به کتاب خدا و سنت پیامبر دعوت می کند و احکام الهی را می شناسد و اجرا می کند، بر مسلمانان است که از او اطاعت کنند. شرط دیگر زید برای امامت آن بود که امام به فاطمه (س) دختر پیامبر (ص) نسب برد. همچنین زید برای امام شرط دیگری مطرح کرده بود و آن از این قرار بود که امام پس از آنکه همه شروط امامت را داشت باید مردم را به امامت خود فراخواند. در واقع، وی اصل تقیه<sup>۲</sup> را که باور امامیه (شیعه اثنی عشر) بود، انکار می کرد. زید معتقد بود که کمترین پیروانی که امام برای قیام نیاز دارد سیصد و چند نفر، همانند شمار مسلمانان بدر است. (خضیری احمد، ۱۳۸۰: ۸۷).

آنها هرچند معتقد به برتری امام علی می باشند اما خلافت ابوبکر و عمر را نیز می پذیرند و حکومت مفضول را بر افضل در شرایط خاص قابل قبول می دانستند هرچند معتقد بودند که اما مفضول ملزم است که در احکام و داوری ها به امام افضل مراجعه کند.

زید دانش فراوان را برای امام شرط می دانست، و از وی دانسته است که در دانش های گوناگونی مهارت داشت و معتزله او را از شیوخ خویش می دانستند. در واقع، زیدیان در عقیده و مذهب بیش از اینکه به منابع امامیه توجه داشته باشند، از مکتب اعتزال پیروی می کردند. وی پدید آورنده اجتهاد و حوزه ای وسیع برای تحول اندیشه های دینی و فقهی در مذهب زیدیه بود و همین ویژگی توانست تفکر زیدی را زنده نگه دارد و نسبت به دیگر

فرق اسلامی توان رشد و سازگاری با تحولات زمانه را به این مذهب ببخشد. (خضیری- احمد، ۱۳۸۰: ۸۸).

به طور کلی، عقاید زیدیه که بیشتر گروه های زیدی هنوز هم به آن اعتقاد دارند، عبارتند از: ۱- قیام علیه حاکم ظالم در هر شرایطی واجب است؛ ۲- لازم نیست که امام حتماً از عالم غیب آگاه باشد؛ ۳- عصمت لازمه امامت نیست؛ ۴- مذمت نکردن شیخین<sup>۳</sup>؛ ۵- نص پنهان بر امامت علی (ع) و دو فرزندش با تعیین اوصاف آنان نه تصریح به نام ایشان؛ پیوند نسبی با فاطمه (س) (امیری، ۱۳۸۸: ۳۳ و خضیری احمد، ۱۳۸۰: ۹۱).

زیدیان خود به چندین فرقه از جمله جارودیه، بتریه، جریریه، و... تقسیم می شوند که از نظر اعتقادات تفاوت هایی با یکدیگر دارند. اما در کل، از لحاظ تاریخی زیدیان یمن به دو دسته زیدیان جارودی و زیدیان غیر جارودی تقسیم می شوند. جارودیان که علاوه بر اعتقاد به قیام و انقلاب، وابستگی و علقه شدید به اهل بیت (ع) داشته و اندیشه های شیعی در آنها پررنگ است و در مقایسه با اهل سنت، به شیعیان امامی نزدیک هستند، همواره جریان اصلی در میان زیدیه بوده اند. جریان دوم زیدیه که بیشتر حدیث گرا هستند، از لحاظ اعتقادی متشیع به حساب می آیند. این جریان در طول تاریخ وجود داشته ولی همیشه در اقلیت بوده اند و انعکاس چشمگیری در طول تاریخ جز در چند برهه نداشته اند. شیعیان زیدیه جارودی به جانشینی بلافصل حضرت علی (ع) پس از پیامبر (ص) اعتقاد دارند و خلفای سه گانه را غاصب می دانند. آنها برای امامت، چهارده شرط قائلند که تقریباً همان شرایط شیعیان امامیه است الا اینکه امام باید از اولاد حضرت زهرا (س) باشد. آنها معتقدند حکومت در هر زمانی تنها حق سادات از نسل امام حسن (ع) و امام حسین (ع) است و هر کس دیگری جز آنها حکومت را در اختیار داشته باشد غاصب است. همچنین آنان فقط برای پنج تن آل عبا قائل به عصمت هستند. در حوزه های علمیه ایشان، از روایات امام باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) بسیار استفاده می شود. در کنار نهج البلاغه و صحیفه سجادیه، کتاب اربعین حدیث امام خمینی (ره) نیز تدریس می شود. آنها مراسم عید غدیر و عاشورا را باشکوه برگزار می کنند. اعتقاد مردم یمن (خصوصاً شیعیان زیدی) به ظهور منجی امام مهدی (عج) نیز بسیار قوی است. از علمای معاصر زیدیه می توان علامه مجدالدین المؤیدی که با ۱۰۰ سال عمر هم اکنون در قید حیات است را نام برد. او نماینده فعلی جریان زیدیه جارودی و صاحب تألیفات بسیار است و ساکن استان صعده، مرکز جریان جارودی زیدیه می باشد. عالم دیگری که در این منطقه ساکن است سید بدرالدین الحوثی (با نود سال سن و در قید حیات) است که از سادات طباطبایی و از علمای به نام و

صاحب تألیف است. تألیفات او بسیار نزدیک با مکتب امامیه است .  
(www.rasekhood.net, 1390).

## ۲- نقش زیدیه در تحولات سیاسی یمن و جنبش الحوثی

در دوران جمهوری یمن، شیعیان سیاست منفعلانه ای را در پیش گرفتند نهادهای سنتی مذهبی زیدیه به صورت محافظه کارانه از عرصه سیاسی کنار رفت و توده های زیدی جذب گروه های سیاسی سکولار و یا سوسیالیست شدند و تشکل سیاسی مذهبی مبتنی بر اندیشه مذهبی زیدی وجود ندارد و دولت نیز با ترویج سکولاریسم و برخی گروه های شیعه ستیز همچون وهابیت این انزوای شیعیان زیدی را تشدید کرد .

برخی از رهبران زیدی نیز ضمن همکاری با دولت عملاً بجز تأیید کردن مواضع ضد زیدی حکومت اقدامی انجام نمی دهند مثلاً. محمدبن علی الشوکانی به عنوان عالم دینی زیدی که سال ها در مدارس وهابی ها تحصیل کرده بودند، بعد از بازگشت به یمن در جایگاه رسمی خود در حکومت به عنوان مفتی و قاضی، به زیدیان سنتی حمله و حتی برخی از علمای آنها را نیز مورد آزار قرار داده است. در کنار وی، شیخ عبدالله الاحمر که در نقش زعیم سیاسی، شیعیان زیدی نیز محسوب می شود. از خویشاوندان علی عبدالله صالح و رئیس مجلس این کشور و شیخ الشیوخ قبایل یمن (دومین شخص تأثیرگذار در عرصه سیاسی) می باشد اما ارتباط این شخص با وهابی های عربستان سعودی، خود عاملی در توسعه سلفی گری وهابی در یمن بوده است که این عوامل البته دوری شیعیان از وی، و تمایل به تشکیل گروه های سیاسی - مذهبی جدید را فراهم کرده است که تبلور عمده آن در جنبش الحوثی ها قرار داشته و دارد.

در واکنش به این شرایط در دهه های اخیر جریان سیاسی مهمی بنام الحوثی در یمن ظاهر شده است که می توان آنرا جریانی سیاسی مذهبی برای احیا هویت زیدیه در یمن دانست که در ادامه به بررسی آن می پردازیم .

جنبش الحوثی نوعی قرائت رادیکال از مذهب زیدی در قالب اندیشه الحوثی و برای احیا هویت زیدیه می باشد که در واکنش به گسترش اندیشه وهابیت در یمن توسط شخصی بنام الحوثی شکل گرفت و نخستین بار در سال ۱۹۹۱ به عنوان جنبش یا سازمانی فکری سیاسی و مسلح ابراز وجود کرد. تا پیش از این، فعالیت اولیه این جنبش، محدود به ارائه آموزش های دینی به جوانان و تربیت و کادرسازی می شد، طبعاً فعالیت های این جنبش مطابق مذهب زیدی بود که مذهب اکثریت مردم یمن است. هرچند نوعی قرائت

رادیکال‌تر از آموزه‌های زیدی محسوب می‌شود هرچند کاملاً مورد تأیید رهبر مذهبی سنتی زیدیه یمن یعنی مجدالدین المؤیدی قرار نگرفته است. حسین الحوثی رهبر این جنبش با طرح برخی دیدگاه‌های اجتهادی جدید دینی خشم بعضی از برجسته‌ترین علمای مذهب زیدی را برانگیخت و با تأکید بر مبانی اندیشه سیاسی زیدی که اصل پنجم را امر به معروف و نهی از منکر برشمرده و لازمه ایمان به این اصل را رد و سرکشی و سرپیچی و شورش و محاربه و خونخواهی از هر حاکمی می‌داند که به فسق و فساد او باور حاصل می‌شود. خواستار اصلاح وضعیت موجود شد. حسین الحوثی در سال ۱۹۹۳ به عضویت پارلمان یمن درآمد. در سال به منظور مقابله با گسترش وهابیت (که به سبب بازگشت یمنی‌های سلفی و وهابی از افغانستان و ترس از تفکرات افراطی آنان تشدید شده بود) حزب «الشباب المؤمن» را تأسیس کرد.

- لازم به ذکر است که دولت عبدالله صالح در این سالها نیز این اندیشه‌ها را تشویق می‌کرد. علی عبدالله صالح هر چند در در خانواده‌ای زیدی مذهب به دنیا آمده ولی با توجه به اینکه از سی سال پیش به پشتوانه سعودی‌ها در رأس حکومت یمن قرار گرفته بود طی سه دهه مذهب زیدیه را به حاشیه رانده، و دست سلفی‌های تکفیری را برای بسط نفوذشان در یمن بازگذاشته است. در واقع حکومت وی، یمن را به حیاط خلوت سیاسی و مذهبی عربستان تبدیل کرده است. بعد از این که وهابیت سلفی با حمایت عربستان در یمن قدرت و پایگاه پیدا کردند، اغلب دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه دینی زیدیه به حاشیه رفت و فعالیتشان محدود شد و به میراث فکری و فرهنگی ائمه زیدیه کمتر توجه می‌شد، در مقابل کتاب‌های وهابیت به فور در یمن منتشر و توزیع می‌شود. لذا صعدہ مرکز گرایش زیدی جارودی، با وجود اهمیت چندجانبه و استراتژیکی که دارد، در حاشیه قرار گرفت. این تبعیض مذهبی و سیاسی خلاء عمیقی را در منطقه ایجاد کرد و لذا تبدیل به بستری شد برای شکل‌گیری تحولات عمیق در تاریخ سیاسی معاصر یمن.

در مواجهه با این وضعیت و در حالی که رهبران سنتی زیدیه موضعی محافظه کارانه اتخاذ کرده بودن نوعی قرائت رادیکال از مذهب زیدی در قالب اندیشه الحوثی و با ایجاد سازمان جوانان مومن فعالیت خود را برای احیا هویت زیدیه و مبارزه با وهابیت آغاز کرد در واقع حوثی‌ها خود را مدافعان جامعه شیعیان زیدی می‌دانند که تحت حملات شدید بوده و در خطر نابودی فرهنگی قرار دارند. از نگاه آنها اتحاد میان دولت علی عبدالله صالح و سلفی‌ها تهدیدی بزرگ برای شیعیان و سنت‌شان می‌باشد. به عبارتی، می‌توان گفت که



نیروهای حوثی در واقع بازوی مسلح شیعیان یمن هستند، که در برابر تهاجمات دولت مرکزی از آنها دفاع می‌کنند.

بعلاوه بی‌توجهی دولت به وضعیت خاص استان صعده و انجام نشدن اقدامات عمرانی از جمله مسائلی است که از سال‌های پس از وحدت یمن تاکنون همواره باعث درگیری الحوثی‌ها با دولت بود که تا به امروز ادامه دارد در واقع بعد دیگر اعتراض آنها به دولت مرکزی، جنبه عدالت خواهانه داشته است و آنها به دنبال جایگاهی برابر با دیگر مردم یمن و خواستار اهتمام بیشتر دولت به این منطقه محروم و عقب مانده اند.

همچنین اختلاف دیدگاه سیاسی با حکومت مرکزی در مورد آمریکا و اسرائیل، اما از عوامل خارجی که باعث تحرک و خیزش شیعیان و مبارزه آنها با دولت مرکزی شد، در این ارتباط می‌توان به اقدامات آمریکا برای مبارزه با شعار به اصطلاح ضد تروریستی آن اشاره کرد. به عبارت دیگر، حضور یمن به عنوان مهم‌ترین هم‌پیمان آمریکا در جنگ با تروریسم در خاورمیانه، به حضور نیروهای نظامی و جاسوسان آمریکایی در این کشور و نیز سفرهای مخفیانه برخی هیأت‌های اسرائیلی به صنعا دامن زد که این مسأله با اعتراض‌های فراوانی در داخل این کشور روبرو شد. در این میان سید حسین الحوثی، در سخنانی در مدرسه امام هادی شهر «مران» در روز هفدهم ژانویه سال ۲۰۰۲ م با عنوان «فریادی در چهره مستکبران» خواستار تحریم کالاهای آمریکایی و اسرائیلی شد و شعار «الله اکبر، مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، نفرین بر یهود و پیروز باد اسلام» را به عنوان شعار رسمی شیعیان این منطقه اعلام کرد و خواستار تمسک مسلمانان به آموزه‌های قرآن و اهل بیت شد. در پی این درخواست بسیاری از مردم یمن به این دعوت لبیک گفتند و به اجرایی کردن مبارزه با آمریکا و رژیم صهیونیستی در یمن و مخالفت با هم‌پیمانی دولت این کشور با دولت جرج بوش رئیس جمهوری آمریکا در پوشش گروه «الشباب المؤمن» پرداختند.

سازمان جوانان مؤمن (الشباب المؤمن) دو مرحله را پشت سر نهاد. مرحله تأسیس و شکل‌گیری که از سال ۱۹۹۷ و کمی پس از اعلام وحدت دو یمن در برخی از مناطق استان صعده - در شمال پایتخت (صنعا) - آغاز شد. مراکز حوثی‌ها کعبه آمال بسیاری از جوانان شد که از نقاط مختلف و استان‌های مشهور به گرایش زیدی هادوی به صعده می‌رفتند. رفته‌رفته دامنه فعالیت حوثی‌ها از استان صعده به استان‌ها و شهرستان‌های دیگری کشید که صبغه زیدی‌اشان قوی بود. تا این که شمار دانشجویان این مرکز در استان صعده به پانزده هزار تن و بنا به اعلام بیانیه‌ای به نام شیعیان اثنی عشری یمنی به هجده

هزار تن رسید. مرحله دوم، که مرحله رویارویی مسلحانه و یا سازمان دهی مسلحانه علنی - معروف به جامعه الحوثی - است، از سال ۲۰۰۴ آغاز شد. از این مقطع زمانی به بعد، جماعت حوثی به گروه‌ها یا میلیشیا‌های نظامی‌ای تبدیل شد که طی ۶ سال شش جنگ مسلحانه را با ارتش یمن سامان دادند. درجنگ ششم صعه که در ۱۱ اوت ۲۰۰۹ آغاز شد و به درگیری‌های حکومت مرکزی یمن با مبارزان حوثی و القاعده و جدایی طلبان جنوب این کشور و مداخله برخی کشورهای خارجی منجر گردید. این درگیری به خاک عربستان سعودی (به ادعای سعودی‌ها) هم کشیده شد و سبب شد ارتش عربستان به مواضع این گروه حمله کند. لازم بذکر است که سعودی‌ها به عنوان همسایه اصلی یمن همواره سعی داشته‌اند نقش برادر بزرگ‌تر را در قبال این کشور ایفا کنند، اما انگیزه اصلی آنها در ورود به یمن تأثیرات عمق مبارزات شیعیان یمن بر طیف شیعیان عربستان است که در منطقه نفت خیز این کشور ساکن هستند. در واقع، مجاورت استان زیدی تبار صعه یمن با عربستان منشأ نگرانی ریاض از قدرت‌یابی یاران الحوثی است. (افضلی، مهر ۱۳۸۸ و دغشی، دی ۱۳۸۸).

در نهایت در این درگیری‌ها صدها تن از مردم و نیروهای نظامی کشته و صدها تن از علما و فعالان سیاسی و فرهنگی به دست نیروهای امنیتی ترور شده و یا به زندان افتاده‌اند و در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۰ با فرونشستن نا آرامی‌ها و کشته شدن «سید حسین»، در روز دهم سپتامبر همان سال، این اقدامات سرکوب شد هر چند پایگاه اجتماعی این جنبش در بین توده‌های زیدی تداوم دارد.

#### ب- اسلام‌گرایان سنی یمن

اهل سنت یمن به طور عمده شامل اکثریت شافعی مذهب و اقلیت حنبلی مذهب می‌باشند که شافعی‌ها قرابت دینی و سیاسی زیادی با زیدیان دارند.

گروه‌های مهم اسلامی اهل سنت در یمن را که در تحولات سیاسی آن کشور نقش دارند می‌توان به دو گروه شامل طرفداران اخوان المسلمین و جریان سلفی‌ها و وهابی تقسیم کرد که به بررسی آنها می‌پردازیم:

#### ۱- اخوان المسلمین

نفوذ اندیشه‌های اخوان مصر به یمن توسط هیئت‌های نظامی و دانشجویی اعزام شده یمنی به کشورهای شرق عربی مانند مصر و عراق در زمان امام یحیی برمی‌گردد. این نیروها در سالهای بعد در حزبی باعنوان حزب (احرار) متشکل شدند که این حزب ارتباط نزدیکی با حسن البنا رهبر اخوان مصر داشت این حزب متشکل از چندین گروه مخفیانه

مخالف امامت بود. از جمله برجسته‌ترین این گروه‌ها می‌توان به «انفصال» و «الاصلاح» اشاره کرد.

این تشکل در فوریه ۱۹۴۸ با انجام کودتا و قتل امام سالخورده زیدیه، موفق به هدف شدند و پس از دستیابی به قدرت، تغییر امامت مطلقه به مشروطه را اعلام و امامت را تحت عنوان «بیعت»، از خاندان حمیدالدین به خاندان الوزیر منتقل کردند. و اخوان المسلمین مصر نیز که پشتوانه اصلی این کودتا بود، آن را بلافاصله تأیید و حمایت می‌کرد. و از اتحادیه عرب خواست که امام جدید یمن را به رسمیت بشناسد. اما در نهایت، امیر احمد، ولی عهد یمن، موفق شد که دولت کودتا را سرنگون کند و صنعا را دست گیرد. بنابراین عمر این کودتا فقط ۲۶ روز (از ۱۷ فوریه تا ۱۴ مارس ۱۹۴۸) بود. آشکار شدن نقش اخوان در کودتای یمن موجب شد این جمعیت به سازمانی مخوف در مصر تبدیل شود، لذا تصمیم انحلال این جمعیت در دسامبر ۱۹۴۸ به سرعت اتخاذ شد. به طور خلاصه، کودتای یمن ثمره ائتلاف میان اخوان و احرار در عرصه سیاسی این کشور بود.

اما حزب احرار یمن در چارچوب حزب «اتحاد یمن» در سال ۱۹۵۲ دوباره سازمان‌دهی شد. در نهایت همین حزب (احرار)، و در رأس آن محمد محمود الزبیری (از رهبران اخوان یمن) از آغاز دهه ۶۰ بود که بر ضرورت لغو نظام امامت و اعلام نظام جمهوری، در تحولات منجر به انقلاب ۲۶ سپتامبر ۱۹۶۲ نقش داشتند و باعث ساقط شدن نظام امامت زیدی و اعلام جمهوری شدند. (محمد و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۴-۱۹).

بعد از پیروزی جمهوریخواهان، اخوان نقش مهمی در تدوین قانون اساسی یمن ایفا کرد بطوریکه اخوان این قانون اساسی را از اولین دستاوردهای خود در روند نفوذ به یمن می‌داند.

در مجموع اخوان یمن در قالب جنبش احرار قدرت گرفت این گروه در ادامه با ائتلاف با رهبران برخی قبایل قدرتمند یمن همچون شیخ قبیله‌ها شد که بزرگ‌ترین قبله اهل سنت در یمن می‌باشد، جایگاه خود را ارتقاء بخشید.

در طول دهه‌های بعد دولت زمینه فعالیت زیادی را برای اخوان فراهم آورد یکی از دلایل این امر استفاده از نیروهای مذهبی برای برخورد با مخالفین سوسیالیست خود بود. این امر باعث سیطره اخوان بر نهادهای تربیتی و تبلیغاتی و آکادمی‌های علمی شد و این نهادها چارچوبی برای پدید آمدن اعضای جدید برای اخوان شدند.

این مراکز و آکادمی‌ها با نادیده گرفتن دو مذهب سنتی یمن - شافعی و زیدیه هادیه - همچون مراکز تبلیغ «وهابیت» عمل می‌کردند. با وجود انکار اخوانی‌ها مبنی بر هواداری ایدئولوژیک از عربستان و وهابی‌گری، آنها اعتراف کردند که در این آکادمی‌ها، وهابیت به عنوان مجموعه‌ای از مفاهیم، نه به عنوان یک مذهب تدریس می‌شود. نتیجه آن تضعیف و مهار مذهب زیدیه تحت عنوان «نابودسازی فرقه‌گرایی» بود؛ زیرا اخوان این موضوع را رد نمی‌کند که وارث شرعی فقه اهل تسنن یمن، معارض مذهب زیدیه هادیه است. بنابراین این آکادمی‌ها که بودجه خود را از دولت دریافت کرده و موازی با وزارت تعلیم و تربیت بودند، به مراکز جذب اعضای جدید برای اخوان تبدیل شد. (محمد و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۵). در این دوران اخوان هم‌چون سرنیزه‌ای برای بیرون راندن سوسیالیست‌ها که در حزب دمکرات منجم بودند عمل کرد و با شعار «جهاد اسلامی» و «نابودی ملحدان و کافران» آنها را در عرصه سیاسی منزوی کردند و سوسیالیست‌ها از ائتلاف کنگره خارج شده و تشکل اپوزسیون پیدا کردند.

همین تلاش‌های اخوان باعث شد که دولت طی «کنگره سراسری ملی» با اخوان‌المسلمین وارد ائتلاف شد (محمد و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۷-۳۳) و در واقع اخوان تا اواخر دهه ۸۰ بخش مهمی از حاکمیت و همپیمان با دولت در کنگره ملی یمن که حزب حاکم محسوب می‌شد بود.

اما هنگامی که بحث اتحاد شمال و جنوب یمن مطرح شد اخوان با آن به مخالفت برخاستند و از کنگره ملی یمن خارج شد و به تدریج تشکل جدید را بنام جمعیت اصلاح طلبان یمن (الاصلاح) در سال ۱۹۹۰ تاسیس کردند.

در نتیجه با خروج اخوان از حاکمیت که بدنبال اخراج حزب سوسیالیست از دولت، انجام شد، طیف سیاسی یمن به سه قسمت تقسیم شد: کنگره ملی خلق (حزب حاکم)؛ حزب اصلاحات یمن (اخوان اسلامگرا)، و احزاب سکولار چپ. در واقع یمن تدریجاً به کشوری با یک نظام شبه اقتدارگرا به رهبری عبدالله صالح تبدیل گردید.

حزب کنگره که به قدرت مطلق پارلمان تبدیل شده بود، دیگر موضوع ائتلاف یا مشارکت در قدرت را مطرح نکرد، بلکه فقط حاضر بود برای سایر قدرت‌ها نقشی کم‌رنگ و حاشیه‌ای قائل شود. اما علیرغم انحصار طلبی‌های حزب حاکم، حزب اصلاح‌طلبان مرتبط با اخوان‌المسلمین واکنش تندی از خود نشان ندادند بلکه آنها در کل در پی مشارکت در قدرت و برخورداری از حمایت آن می‌باشند که این وضعیت تا تحولات سال ۲۰۱۱ که قیام عمومی علیه حکومت صالح انجام شد ادامه داشت.

## ۲. سلفی‌های رادیکال و القاعده

با وجود ارتباط نزدیک دو مذهب عمده یمنی‌ها، یعنی شیعیان زیدی و شافعی‌های اهل سنت، جریان‌های سلفی‌گری (وهابی) نیز در یمن دارای پایگاه و با رشد سریع بالاخص در سال‌های اخیر مواجه بودند. عواملی چند باعث افزایش و بسط توسعه سلفی‌گری رادیکال در یمن بوده است. قسمت جنوبی یمن محل رشد نمو جریان‌های سلفی است، به عبارت دیگر، استان‌های لحج و حضرموت دارای بیشترین آمار سنی‌ها با دیدگاه‌های وهابی هستند. به خصوص این که خاندان بن‌لادن در استان لحج ساکن می‌باشند. در کنار این عوامل، نزدیکی و ارتباط عمیق رئیس‌جمهور یمن با خاندان سعودی که در واقع بزرگ‌ترین حامی و پشتیبان وی می‌باشند، در روند توسعه وهابی‌گری در یمن بی‌تأثیر نبوده است.

اما می‌توان گفت سرچشمه توسعه سلفی‌گری رادیکال یمن، «سازمان جهاد یمن» است. رهبران این سازمان اساساً از اسلام‌گرایان یمنی بودند که در افغانستان جنگیده و در رسانه‌ها نیز به «یمنی‌های افغانی» معروف شده بودند، پس از بازگشت از افغانستان، عملیات ترور و خشونت‌شان را متوجه حزب سوسیالیست یمن و رهبران آنها کردند، (البته با سهل‌انگاری و حتی با تشویق ضمنی دولت همراه بود) که نتیجه آن جنگ داخلی سال ۱۹۹۴ بود. به این عامل نیز، باید بازگشت هزاران کارگر یمنی در پی اخراج آنها از عربستان به دلیل مخالفت صالح در حمایت از ائتلاف بین‌المللی علیه عراق، افزود. این کارگران بی‌کار و دارای گرایش‌های وهابی به دلیل سال‌ها زندگی در عربستان، پایگاهی عمده برای جذب در سازمان القاعده و سازمان جهاد یمن بودند. اقدامات این سازمان‌ها به خصوص اعضای سازمان القاعده در پی انفجار ناوشکن آمریکایی یواس اس کول در بندر عدن در اواخر سال ۲۰۰۰ همگی موجب شدند تا سیاست‌های حکومتی کنگره عمومی ملت و سیاست‌های حاکم بر یمنف در پی انحلال و تعطیلی مدارس دینی برآیند. (بهساز، ۱۳۸۴ و محمد و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۶)

این اقدامات در پی حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱، و فشار آمریکا به یمن و دولت علی عبدالله صالح برای نابودی و بستن مدارس دینی که از نظر آمریکایی‌ها مراکزی برای جذب اعضای جدید برای گروه‌های افراطی بالاخص القاعده یمن بودند، تشدید شد و عزم ژنرال صالح را برای قلع و قمع مخالفانش ترغیب کرد.

که بستن بعضی از مؤسسات آموزش دینی که از جانب آمریکا متهم به ارتباط با تروریسم بین‌المللی هستند، حساسیت‌های زیادی را در داخل جامعه یمن ایجاد کرده است. از جمله

این مؤسسات «جامعه الایمان» است که تحت شیخ عبدالحمید الزندانی رئیس مجلس شورای تجمع اصلاحات یمن اداره می‌شود (بهساز، ۱۳۸۴).

از شدیدترین درگیرهای دولت با مخالفان، جنگ با نیروهای موسوم به «انصار الشریعه» در شهرهای «ابین» و زنگبار بوده است. آنها خواستار راه اندازی یک دولت بنیادگرای اسلامی در جنوب یمن هستند. و جنگ داخلی در یمن بی شک فرصت مناسبی برای محکم‌تر کردن جای پای این سازمان تروریستی در این کشور فراهم خواهد کرد.

### ج- نتیجه‌گیری

سرزمین یمن از قرن دوم تا قرن چهاردهم شاهد تلاش زیدیان برای بسط و تداوم حکومت شیعی بود. و بعد از ۱۹۶۲ حکومت امام با کودتای جمهوریخواهان از بین رفت و حکومت هزار ساله امامان شیعه زیدی را سرنگون ساخت. جریانهای اسلامگرا در یمن را به دو جریان مهم شیعیان زیدی و اهل سنت می‌توان تقسیم کرد شیعیان یمن اکثراً زیدیه می‌باشند در دوران جمهوری یمن، شیعیان سیاست منفعلانه‌ای را در پیش گرفتند نهادهای سنتی مذهبی زیدیه به صورت محافظه کارانه از عرصه سیاسی کنار رفت و توده‌های زیدی جذب گروههای سیاسی سکولار و یا سوسیالیست شدند و تشکل سیاسی مذهبی مبتنی بر اندیشه مذهبی زیدی وجود ندارد و دولت نیز با ترویج سکولاریسم و برخی گروههای شیعه ستیز همچون وهابیت این انزوای شیعیان زیدی را تشدید کرد و برخی از رهبران زیدی نیز ضمن همکاری با دولت عملاً بجز تأیید کردن مواضع ضد زیدی حکومت اقدامی انجام نمی‌دهند و واکنش به این شرایط در دهه‌های اخیر جریان سیاسی مهمی بنام الحوثی در یمن ظاهر شده است که می‌توان آنرا جریانی سیاسی مذهبی برای احیا هویت زیدیه در یمن دانست جنبش الحوثی نوعی قرائت رادیکال از مذهب زیدی در قالب اندیشه الحوثی و برای احیا هویت زیدیه می‌باشد که در واکنش به گسترش اندیشه وهابیت در یمن توسط شخصی بنام الحوثی شکل گرفت و نخستین بار در سال ۱۹۹۱ به عنوان جنبش یا سازمانی فکری سیاسی و مسلح ابراز وجود کرد که در مورد اندیشه و مواضع آنها در این مقاله توضیح داده شد.

گروه‌های مهم اسلامی اهل سنت در یمن را که در تحولات سیاسی آن کشور نقش دارند می‌توان به دو گروه شامل طرفداران اخوان المسلمین و جریان سلفی‌ها و وهابی تقسیم کرد اهل سنت یمن نیز به طور عمده شامل اکثریت شافعی مذهب و اقلیت حنبلی مذهب می‌باشند که شافعی‌ها قرابت دینی و سیاسی زیادی با زیدیان دارند.

در مجموع مقابله با دیکتاتوری و انحصار قدرت سیاسی و وابستگی و همچنین گسترش سکولاریسم مهمترین دلایل مشترک مبارزات اسلامگرایان شیعه و سنی علیه دولت عبدالله صالح بوده است و از ماه ژانویه ۲۰۱۱ و به دنبال موج اعتراضات و انقلاب مردمی در کشورهای عربی، هزاران نفر از جوانان معترض یمنی نیز در خیابان‌های صنعا خواهان اصلاحات ریشه‌ای در کشور شدند و شعارهای جوانان تونس و مصر را سر دادند. با تظاهرات گسترده خواهان سرنگونی صالح شدند. یمنی‌ها در شهرهای صنعا، الحدیده، عدن، إب، الدمار، البی، ضاء و المنصوره پس از اقامه نماز جمعه با برگزاری تظاهرات مسالمت-آمیز یک صدا خواستار کناره‌گیری صالح از قدرت و محاکمه وی شدند. اما علی عبدالله صالح نیز در جمع هواداران خود بارها به تاکتیک وقت‌کشی روی آورده و به برگزاری انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری برای خاموش کردن فریاد اعتراض مردم یمن وعده داد.

طی این مدت در جریان حمله نیروهای صالح به تظاهرکنندگان دستکم هزاران نفر کشته و زخمی شده‌اند. در این راستا، بخشی از رهبران قبائل زیدی ضمن استعفا از حزب حاکم به جرگه معارضین عبدالله صالح پیوستند. در کنار اقدامات صالح برای حفظ قدرت و همزمان با اوج‌گیری انقلاب مردمی یمن، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نیز برای حمایت از صالح، موافقت نامه‌ای را میان دولت و مخالفان ترتیب دادند که البته مورد موافقت مردم نبود. بر اساس این موافقتنامه، علی عبدالله صالح، رئیس جمهوری یمن در ازای برخورداری از مصونیت قضایی، قدرت را به دولت انتقالی واگذار خواهد میکرد. و بر این اساس صالح مجبور شد از قدرت کناره‌گیری کند هرچند هنوز مردم معترض یمن خواستار محاکمه وی و دیگر همراهانش در حزب حاکم و جلوگیری از به قدرت رسیدن نزدیکان و وابستگان وی هستند.

یادداشت‌ها:

۱. علی عبدالله صالح در ۲۱ مارس ۱۹۴۳ چشم به دنیا گشود و در ۱۶ سالگی به ارتش پیوست و در کودتای ۱۹۶۲ که منجر به سقوط رژیم «امام بدرالدین» شد شرکت داشت. در سال ۱۹۷۸ به عنوان فرمانده کل ارتش منصوب شد و در ژوئن همان سال پس از ترور احمد القشمی، رئیس جمهور یمن شمالی، توسط مجلس مؤسسان به رئیس

جمهوری این کشور منصوب شد. وی در ۱۹۸۱ کنگره عمومی خلق را با هزار عضو تشکیل داد که بعداً حزبی سیاسی شد. صالح در ۱۹۸۳ مجدداً به رئیس‌جمهوری انتخاب شد، امری که در ۱۹۸۸ دوباره تکرار شد. وی در ۱۹۹۰ دو یمن را متحد کرد و خود به مقام ریاست جمهوری رسید و رئیس‌جمهور یمن جنوبی را به عنوان معاون اول رئیس‌جمهور معرفی کرد. که تا همین اواخر ادامه داشت. وی فارغ‌التحصیل دانشگاه نظامی بغداد بوده و با اعضای حزب بعث و صدام روابط ویژه‌ای داشته است و به صدام صغیر معروف می‌باشد. وی در نهایت با قیام مردم در سال ۲۰۱۱ مجبور به ترک قدرت شد. (خادم‌شریف، ۱۳۸۸: ۳۵ و، ۱۳۹۰) [www.rasekhoon.net](http://www.rasekhoon.net).

۲. تقیه عبارت است از حفظ جان، آبرو و مال از ترس دشمن با اظهار آنچه مخالف باورهای درونی است.

۳. با این همه در برخی از موارد مانند مشروعیت خلافت ابوبکر و عمر و عثمان میان فرقه‌ها اختلاف نظر بود اما در امامت زید بن علی و پیروی از دیدگاه‌های اصلی او اتفاق نظر بود (خضیری‌احمد، ۱۳۸۰: ۹۱).

منابع و ماخذ:

کتب فارسی:

۱. برنجکار، رضا. «آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی».
۲. توال، فرانسوا. (۱۳۸۲). «ژئوپولیتیک شیعه»، ترجمه کنایون باصری، تهران: ویستار.
۳. جعفریان، رسول. (۱۳۸۹)، «اطلس شیعه»، تهران: سازمان جغرافیای نیروهای مسلح.
۴. خضیری‌احمد، حسن. (۱۳۸۰)، «دولت زیدیه در یمن»، ترجمه احمد بادکوبه، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۵. دکم‌جیان، هریر. (۱۳۷۷)، «جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب»، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان.
۶. کریملو، داود. (۱۳۷۴)، «جمهوری یمن»، تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات.
۷. محمد و دیگران، ابراهیم. (۱۳۹۰)، «اخوان المسلمین یمن»، تهران: اندیشه‌سازان نور.



نشریات:

۸. افضلی، توحید. (۱۳۸۸). «جنگ یمن؛ نزاعی علیه شیعیان». نشریه: مثلث، شماره ۸.
۹. میری، مرتضی، «زیدیان یمن، عقاید و باورها»، نشریه: پنجره، شماره ۱۵، ۲۵ مهر ۱۳۸۸.
۱۰. بهساز، بهمن، «مسئله مدارس دینی در یمن»، نشریه: شرق، ۳/۱۲/۱۳۸۴.
۱۱. خادم‌شریف، مرضیه، «قدرت بیست و هشت ساله: وضعیت شیعیان یمن»، نشریه: پنجره، شماره ۱۵، ۲۵ مهر ۱۳۸۸.
۱۲. عزیزی، مهدی، «جریان‌شناسی درگیری‌های یمن»، نشریه: پنجره، شماره ۱۵، ۲۵ مهر ۱۳۸۸.
۱۳. عماد، سیدحسین‌علی، «منطقه حاصلخیز شبه‌جزیره عربستان»، نشریه: همت، شماره ۲، ۱۰ شهریور ۱۳۸۷.
۱۴. غلامی، فتاح، «شیعیان یمن در فراز و فرود تاریخ»، نشریه: پنجره (هفته‌نامه)، شماره ۲۲، ۱۴ آذر ۱۳۸۸.
۱۵. محمد احمد دغشی، «هفته نامه پگاه حوزه»، ۱۳۸۸، شماره ۲۷۰، دی ۱۳۸۸.
۱۶. محمدی‌فر، هادی، «بیداری شیعیان یمن»، نشریه: رسالت، ۱۳/۱۲/۱۳۸۵.

منابع مجازی:

۱۷. [www.askdin.com](http://www.askdin.com)، «زیدیه»، ۱۳۹۰/۲/۲۰ و «نزاع یمن (۲۰۱۰ - ۲۰۰۹)»، ۱۳۹۰/۳/۱۵ و «گزارشی از وضعیت بحرانی منطقه یمن»، ۱۳۹۰/۳/۱۸.
۱۸. [ww.rasekhoon.net](http://ww.rasekhoon.net)، «انقلاب یمن»، ۱۳۹۰/۳/۱۵.
۱۹. [www.anjomedu.ir](http://www.anjomedu.ir)، «آخرین تحولات یمن»، ۱۳۹۰/۳/۲۰.
۲۰. [www.aryanews.com](http://www.aryanews.com)، «آخرین تحولات یمن؛ توطئه شورای همکاری علیه مردم یمن»، ۱۳۹۰/۳/۱۸.
۲۱. [www.askdin.com](http://www.askdin.com)، «الحوثی‌های یمن چه کسانی هستند»، ۱۳۹۰/۲/۲۰.

۲۲. [www.uzbek.irib.ir](http://www.uzbek.irib.ir)، «بررسی آخرین تحولات یمن»، ۱۳۹۰/۳/۲۰.

۲۳. نشریه سیاست روز، «ریشه‌ها و پیامدهای کشتار شیعیان یمن»،  
۱۳۸۵/۱۲/۲۱.

۲۴. [www.bashgah.net](http://www.bashgah.net)، «احزاب سکولار در جهان عرب»، ۱۳۹۰/۳/۲۰.

۲۵. [www.rasekhoon.net](http://www.rasekhoon.net)، «عقاید شیعیان و مبارزان یمن»،  
۱۳۹۰/۳/۱۳.